[خطبه‌ی اول 1](#_Toc453944344)

[تفسیر سوره‌ی فیل 2](#_Toc453944345)

[پدیدآوردن قصه‌های عجیب برای نشان دادن قدرت نامتناهی 2](#_Toc453944346)

[درس‌ها و نکته‌ها 4](#_Toc453944347)

[خطبه‌ی دوم 6](#_Toc453944348)

[مناسبت‌ها 7](#_Toc453944349)

[1.روز میلاد حضرت زینب و نکاتی در رابطه با عظمت روحی، معنوی و مدیریتی ایشان... 7](#_Toc453944350)

[2.پانزده خرداد..... 8](#_Toc453944351)

[3.سالروز ارتحال ملکوتی حضرت امام خمینی1. 9](#_Toc453944352)

[ویژگی‌های حضرت امام 9](#_Toc453944353)

[1.روح معنوی و وارستگی از دنیا ...........................................................9](#_Toc453944354)

[2.شجاعت و شهامت حضرت امام خمینی. 10](#_Toc453944355)

[دعا 11](#_Toc453944356)

# خطبه‌ی اول

**السلام علیکم و رحمة الله**

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ. نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی آله الاطیبین الاطهرین، سیما بقیة الله فی الارضین.**

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ)[[1]](#footnote-1) عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله وَ مُلازِمَة امرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَزوا عِبادَالله فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَحیل[[2]](#footnote-2) (وَ تَزَوَدوا فَإِنَّ خَیرَ الزاد التقوی)[[3]](#footnote-3)**

همه شما نمازگزاران گرامی، برادران و خواهران ارجمند و خودم را به پارسایی، پرهیزکاری و فرمان‌بری از خداوند در همه‌ی احوال و شئون زندگی، سفارش و دعوت می‌کنم و از خداوند می‌خواهیم که درهای حکمت و بندگی و پارسایی را به روی همه ما بگشاید. امیدواریم خداوند همه‌ی ما را از بندگان وارسته و شایسته‌ی خود قرار بدهد.

# تفسیر سوره‌ی فیل

بحث ما در سوره‌ی فیل بود و مطالبی در شرح آیات این سوره‌ی شریفه عرض کردیم. خداوند برای صیانت از خانه‌ی خود و در سالی که پیامبر گرامی اسلام متولد شدند، دست غیبی برآورد و در برابر هجوم دشمنان کعبه و لشکر ابرهه، پرندگانی را از آسمان فرو فرستاد تا لشکر بزرگ و عظیمی که برای هدم بنیان کعبه آمده بودند را در هم کوبید. خداوند خطاب به رسول خدا می‌فرماید: آیا ندیدی چگونه خداوند با آن لشکر بزرگ که قرآن، آن را به عنوان اصحاب فیل می‌نامد برخورد کرد؟ آیا ندیدی که خداوند چگونه نقشه‌ها و توطئه‌های دشمنان خدا و خانه‌ی خدا را نقش بر آب کرد و کید و توطئه‌ی آن‌ها را در تباهی و ضلال قرار داد و برای سرکوب لشکری که به عزم هدم خانه‌ی خدا آمده بودند، از پرندگان خدا استفاده کرد؟ این نکته‌ی جالبی است که در این سوره‌ی شریفه است که (**وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ**)**[[4]](#footnote-4)** بر آنها گروه گروه پرندگانی فرستاد. آن گروه گروه از جمعیت‌ها را ابابیل می‌گویند. در برابر آن شکوه و عظمتی که این لشکر با ساز و برگ نظامی خودش داشت و در برابر فیل که یک حیوان عظیم الجثه و قوی‌ای است، خداوند برای اینکه حقارت این‌ها را بفهماند، مرغان آسمانی را به مصاف این لشکر عظیم و سپاه بزرگ آورد تا این را خوب تفهیم کند که در برابر آن لشکر و آن جمعیت و آن سپاه و آن ساز و برگ عظیم نظامی و در برابر فیل که در قلب لشکر قرار گرفته بود، خدا و قدرت خدا اعجازش را در طیور آسمانی و پرندگان آسمان نشان داد.

## پدیدآوردن قصه‌های عجیب برای نشان دادن قدرت نامتناهی

گاهی خداوند وقتی که اعجاز خود را بخواهد نشان دهد، قصه‌های عجیبی را پدید می‌آورد. موسی را در خانه‌ی فرعون بزرگ می‌کند. هزاران کودک قتل عام می‌شوند تا موسی دنیا نیاید؛ اما خدا این طور به فرعون می‌فهماند که همان کودکی که به خاطر او هزاران کودک قتل عام شدند، با دست خود و در کاخ خودت بزرگش می‌کنی و اوست که می‌آید طومار دودمان تو و سلطنت تو را در هم می‌پیچد. این اعجاز و قدرت عظیم خداست. این همان جلوه‌ی (**وَلِلَّـهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ**)[[5]](#footnote-5) است. لشکر و سپاه آسمان و زمین، دست خداست. ما به دلیل دوری‌مان از مبادی غیب و ضعف ایمانمان، این عظمت و قدرت بی‌پایان خداوند را احساس نمی‌کنیم. گاهی خدا به تاریخ دست می‌برد. یک برگ خاص و ویژه‌ای را در تاریخ ایجاد می‌کند تا ما و شما و بشر بفهمد که همه‌ی این‌ها دست خداست. موسی را در خانه‌ی فرعون بزرگ می‌کند؛ ابراهیم را در دل آتش حفظ می‌کند؛ یوسف را با آن شکل به عظمت و شکوه و اقتدار می‌رساند و امثال این داستان‌ها. بر خلاف تصور انسان و بر خلاف روال معمولی قوانین عادی طبیعت، خدا این طور قدرت‌نمایی می‌کند. جلوه‌های قدرت و عظمت خودش را نشان می‌دهد. در اینجا هم همین طور است. در حقیقت پیام این سوره این است که در برابر آن لشکر و آن شکوه و جلال پادشاه یمن و ابرهه و در برابر آن ساز و برگ سپاه بزرگ یمن و حضور فیل، به عنوان و نماد یک حیوان عظیم الجثه و پر قدرت، خداوند مرغان آسمانی را می‌فرستد. مرغ آسمانی قدرتش معلوم است. یک پرنده‌ چقدر قدرت و توانایی دارد. در برابر این قدرت‌های بزرگی که انسان‌ها جمع می‌کنند و در عالم طبیعت است، توانایی‌ایی ندارد. مرغان آسمانی چندان قوی ‌‌‌نیستند. خدا همین مرغان آسمانی و پرندگان هوا را که موجوداتی نه چندان قوی هستند، را می‌فرستد و به آن‌ها می‌فهماند که با همین ابزار کوچک عالم و سپاه ناچیز این عالم، سپاه بزرگ شما را در هم می‌کوبیم؛ (**وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ**)**[[6]](#footnote-6)** صبح‌گاهان که همه آماده شده بودند و به عزم هدم خانه‌ی خدا کوچ می‌کردند، ناگهان نگاهشان به آسمان افتاد؛ دیدند گروه گروه، دسته ‌دسته پرندگان و مرغان آسمانی بر سر آنها آمده‌اند. گویا اینها در چنگال مرغان آسمانی‌اند. با آن قدر عظمت و جلال و شکوه؛ اما الان احساس می‌کنند که در پنجه‌ی مرغان آسمانی‌اند؛ (**وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ**)**[[7]](#footnote-7)** گروه‌گروه دسته‌ دسته، مرغان آسمانی آمدند، دیده‌اید وقتی که پرندگان، کبوترها، کلاغ‌ها، مرغان آسمانی که جمعیت زیادی دارند، به خصوص مواقعی که این پرندگان از منطقه‌ای به منطقه‌ی دیگر کوچ می‌کنند، گروه‌گروه می‌شوند؛ گاهی هم جمع می‌شوند؛ گاهی از هم جدا می‌شوند؛ مناظر بسیار زیبایی دارد. وقتی که صبح آمده بودند و در چند میلی کعبه، به سمت کعبه می‌رفتند ناگهان نگاه آن‌ها به گروه‌گروه پرندگان بالای سرشان افتاد. پرندگانی که مجهز به سنگ‌های سفت و سخت و کشنده هستند. در نوع این پرندگان و اینکه چه سنگ‌هایی را حمل می‌کردند، در روایات و اخبار و تفاسیر، مطالب بسیار زیادی گفته شده که خیلی مهم نیست. ولی به هر حال مرغان متوسطی بودند، پرندگان متوسط الجثه‌ای بودند و هر پرنده‌ای چند سنگ سفت و سخت، به همراه داشت که در نقل‌ها آمده است که برخی سنگ‌ها را بر دهان و بعضی هم به پاها گرفته بودند. در بعضی نقل‌ها هم آمده که هر پرنده‌ای سه عدد سنگ داشت. جمعیت انبوه پرندگان گروه‌گروه با سنگ‌هایی که به منقار گرفته بودند و سنگ‌هایی که با پای خود حمل می‌کردند، این لشکر بزرگ را نشانه گرفتند. در تاریخ آمده است که سنگ اول به هیچ ‌کس نمی‌خورد جز همان کسانی که در این سپاه پادشاه یمن و ابرهه بودند و چنان سنگ را به مقصد می‌زدند که به خطا نمی‌رفت و آن سنگ، از یک طرف بدن می‌رفت و از طرف دیگر بیرون می‌آمد و سربازان ابرهه را از پا در می‌آورد. روی سرشان می‌خورد و از داخل بدن، بیرون می‌آمد. با چنین شدت و قدرتی این سنگ‌ها را، خدا به صورت معجزه‌آسایی در خدمت حفظ کعبه قرار داد (**وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ**)**[[8]](#footnote-8)** خداوند گروه گروه مرغان و پرندگان آسمانی را بر سر آنها فرود آورد. ( **تَرْمِيهِم بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ**)**[[9]](#footnote-9)** **سِجِّيلٍ** هم به معنای سنگ جهنمی گفته شده و هم به سنگی که از گِل‌های سخت ساخته شده، گفته شده است. پرندگان، با سنگ‌های فوق‎العاده سخت و کشنده این‌ها را هدف‌گیری می‌کردند. ( **تَرْمِيهِم بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ**)**[[10]](#footnote-10) عَصْفٍ** برگ یا آن پوسته‌ای است که روی این حبوبات و اینها وجود دارد؛ پوسته‌ای که روی گندم یا برنج است. **مَّأْكُولٍ** هم یعنی جویده شده، چنان قدرت کوبندگی این پرندگان و مرغان آسمانی قوی و شدید بود که یک سپاه بزرگ آماده‌ی هدم خانه‌ی خدا را در هم کوبید و مثل کاه جویده شده شدند. کاه را اگر کسی بجود چه چیز بی‌ارزش و سستی می‌شود که با یک باد، در فضا پخش می‌شود. اصلا قابل ارزش و ذکر نیست. پوسته‌ی یک حبه‌ی جویده شده، یا کاه جویده شده. یک چیز بی‌ارزش و ناتوان در مقابل هر عاملی.

این سپاه بزرگ و آن ساز و برگ نظامی و آن تشکیلات عظیم، با این پرندگان آسمانی مثل کاه جویده شده شدند. ذرات بی‌ارزش کاه که با بادی در آسمان پخش می‌شود و نابود می‌شود. خدا وقتی که بخواهد چنین قدرتی، نشان می‌دهد! این همان قدرتی است که موسی را در خانه‌ی فرعون بزرگ کرد. این همان قدرتی است که یوسف را از ته چاه به اوج اقتدار رساند. این همان قدرتی است که در مقاطع خاصی از تاریخ اهل حق را یاری می‌رساند؛ این همان قدرتی است که در کنار پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم در جنگ بدر و در مواقع مختلف بود. آن روز هم در سالروز میلاد پیامبر، دست غیب الهی از آستین بیرون آمد و چنین اعجازی را به نمایش گذاشت. این داستانی که در سوره‌ی فیل به آن اشاره شده و در مکه نازل شد، همه‌ی کفار و مشرکین مکه، در صدد تکذیب پیامبر و مقابله‌ی با پیامبر خدا بودند؛ ولی در تاریخ مطلقا ثبت نشده که یک نفر در مکه یا از قریش، تفوه به این کرده باشد که این قصه نبوده یا به این شدت نبوده است. خود این نشان می‌دهد که این قصه، واقعی بوده و در سال میلاد پیامبر، خدا برای اینکه زمینه‌های طلوع خورشید تابناک پیامبر را نشان دهد، حوادثی را در تاریخ پدید آورده که یکی از آن‌ها هم این بوده است.

## نکاتی از سوره‌ی فیل

در این سوره، درس‌ها و نکات مهمی وجود دارد که فهرست‌وار که به چند نکته در این سوره اشاره می‌کنم که خلاصه‌ی پیام‌ها و نکات مهم و تربیتی این سوره است.

1. این سوره علاوه بر این که عظمت خانه‌ی خدا را نشان می‌دهد به این نکته هم اشاره دارد که خانه‌ی خدا دژ استوار توحید و کانون خداپرستی است. این سوره، کعبه را در اوج عظمت نشان می‌دهد، همان‌طور که توضیح دادم.

2. وقوع این حادثه در زمان سال تولد پیامبر نشان دهنده‌ی عظمت پیامبر و نشان دهنده‌ی آغاز یک فصل جدیدی در تاریخ بشریت است. این معجزه، مانند دیگر وقایعی که در زمان پیامبر اتفاق افتاد، حکایت‌گر آینده‌ای جدید و نقطه‌ی عطفی در تاریخ بشریت است.

3. این سوره، اصل این قصه را چنان قطعی نشان می‌دهد که برای ما جای هیچ تردیدی باقی نمی‌گذارد؛ احدی در برابر آیات این سوره و اشاره‌ی به این واقعه‌ی مهم، موضع‌گیری منفی نکرده و این نشان دهنده‌ی صحت و اتقان اصل این داستان و اعجاز غیبی الهی است.

4. یکی دیگر از نکات این سوره این است که درست است که قرار خداوند این است که همه‌ی حوادث و وقایع به صورت طبیعی پیش رود؛ اما در مقاطعی هم دست غیب خدا یک حادثه‌ی بدیع و فوق العاده‌ای را پدید می‌آورد که از این قبیل وقایع در تاریخ انبیاء و در تاریخ اسلام داشته‌ایم و یکی از این وقایع خاص و نقاط حساس تاریخ که با اعجاز خدا پدید آمده، داستان سرکوبی اصحاب فیل هنگام هجوم به کعبه است.

5. در اینجا فیل را در مقابل طیر قرار داده، یعنی یک حیوان عظیم الجثه در لشکر بزرگ که طیور آسمانی و پرندگان آسمانی می‌تواند این‌ها را از بین ببرد. این هم برای نشان دادن اعجاز خدا است و اینکه همه‌ی قدرت‌ها در دست خداست.

6. لشکر عظیم ابرهه به عنوان لشکر ابرهه نامیده نشد، بلکه این‌ها را پیروان یک حیوان نامید؛ یعنی آن حیوان بر ابرهه برتری دارد. پادشاهی با همه‌ی عظمت و قدرت، وقتی که در خدمت خدا نباشد، بی‌مقدار و بی‌ارزش است؛ لشکر او در حقیقت لشکر حیوان است؛ سپاه شیطان است؛ و پیروان اهریمن است و ارزش او در همین حد است که لشکر فیل باشد نه سپاه عظیم. لشکری که هر چقدر هم که مقتدر باشد وقتی که در خدمت شیطان باشد اینها اصحاب حیوانند.

7. مخاطب این قصه پیامبر عظیم الشأن اسلام است. گویا خدا می‌خواهد به پیامبر بفرماید که رب تو همان کسی است که تو را سرپرستی می‌کند و این واقعه را پدید آورد و این قصه با رسالت تو در ارتباط است.

8. این معجزه نشان‌گر عظمت و قدرت فائقه‌ی الهی است و اینکه دست خدا، فوق همه‌ی دست هاست؛ (**يَدُ اللَّـهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ**)**[[11]](#footnote-11)** قدرت و اراده‌ی خدا بر همه‌ی قدرت‌ها و اراده‌ها مقدم است.

9. یک لشکری با آن ساز و برگ عظیم نظامی، آخر کار (**كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ**)**[[12]](#footnote-12)** می‌شود؛ مثل کاه جویده شده، پوسته‌ی حبوباتی که خورده شده و بیرون ریخته شده، چقدر بی‌مقدار و بی‌ارزش است! مبادا که ما به دارایی‌ها و توانایی‌های خودمان مغرور شویم. هر آنچه داریم در دست خداست؛ از آن خداست و اراده خدا که آمد، عظیم‌ترین قدرت‌های عالم (**كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ**)**[[13]](#footnote-13)** می‌شود. اگر ایمان قوی باشد؛ اگر انسان بر خدا تکیه و اعتماد بکند؛ خدا این طور برای او دست غیب خود را نشان می‌دهد. در این قصه می‌گوید این ساز و برگ عظیم نظامی (**كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ**)**[[14]](#footnote-14)** شده؛ کاه جویده شده، پوسته‌ی حبوباتی که جویده شده که هیچ مقدار و ارزشی ندارد. این هم پیام دیگری است که برای نشان دادن قدرت خود آمده است. جمله‌ها این است: ( **وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ \* تَرْمِيهِم بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ \* فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ**)**[[15]](#footnote-15)** خیلی نکات زیبا و معانی بلندی در این آیه هست که نشان دهنده‌ی قدرت خدا، کوبندگی اراده‌ی خدا، فائق بودن تصمیم خداوند بر همه‌ی قدرت‌ها و تصمیم‌هاست که در این واقعه اتفاق افتاده است. این ده پیام مهمی است که در این سوره کوتاه قرآنی مورد توجه قرار گرفت. می‌بینیم که آیات قرآن دارای چه ابعاد و معانی ظریف و دقیقی است و توجه به این مفاهیم عالی قرآن و پیام‌های زیبای قرآنی، سازنده‌ی روح و روان ماست. ارزش خواندن قرآن به این است که انسان در کنار توجه به ظاهر قرآن، نگاهی هم به عمق و باطن قرآن داشته باشد. آیات قرآن آیات وحی الهی است، سازنده‌ی دل و جان و روح ماست و همین سوره‌ی کوتاه، حداقل دارای ده پیام بسیار مهم اخلاقی و اجتماعی است که می‌تواند در عمق جان و روح و طبیعت انسان اثر بگذارد. امیدواریم خداوند به ما توفیق فهم قرآن و عمل به معارف بلند قرآن کرامت بفرماید.

**( بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ \*أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ\*وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ\*تَرْمِيهِم بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ\*فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ)[[16]](#footnote-16)**

صدق الله العلی العظیم.

# خطبه‌ی دوم

أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِالْحَمْدُ لِلَّـهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی علی امیر المؤمنین و علی الصدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و خلف القائم المنتظر. ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمن و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین.

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ)[[17]](#footnote-17)عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله**

بار دیگر همه‌ی شما و خودم را به پارسایی و پرهیزکاری دعوت می‌کنم. یاد مرگ و قیامت و احتضار و توجه به فنای عالم و باز پس‌گیری همه‌ی نعمت‌هایی که خداوند به ما عنایت کرده، بهترین وسیله‌ها برای خودسازی و تهذیب نفس است. اولیای الهی و پیشوایان پاک ما همواره ما را به یاد مرگ و یاد مقدمات مرگ و یاد قیامت و عالم برزخ دعوت و سفارش کرده‌اند. اگر بخواهیم در مسیر اصلاح نفس و تهذیب اخلاق به سمت جلو حرکت کنیم و خود را بسازیم ،بهترین ابزارها برای آن این است که در شبانه روز دقائقی و لحظاتی هر چند کوتاه را به یاد مرگ و فنای عالم و باز پس گرفته شدن همه‌ی نعمت‌های خدا، به هنگام مرگ توجه کنیم. امیدواریم خدا با دست عنایت خودش ما را به سمت اصلاح نفس و پاکسازی درون و پیش رفت و تعالی در امور اخلاقی و معنوی هدایت و رهنمون بشود؛ ان‌شاءالله.

## مناسبت‌ها

چند مناسبت داریم که در باب هر یک از آن‌ها لازم است نکاتی عرض کنم.

### روز میلاد حضرت زینب و نکاتی در رابطه با عظمت روحی، معنوی و مدیریتی ایشان

امروز روز میلاد بانوی قهرمان کربلا و پیام آور بزرگ عاشوراء زینب کبری سلام الله علیهاست. این میلاد خجسته را خدمت همه‌ی شما مخصوصا خانم‌های گرامی تبریک و تهنیت عرض می‌‌کنم. به مناسبت میلاد حضرت زینب، این روز روز پرستار و به‌ورز هم نام‌گذاری شده است که به تناسب میلاد حضرت زینب، روز پرستار و به‌ورز را به این عزیرانی که در خدمت بیماران و برای رسیدگی بیماران هستند و تلاش می‌کنند، تبریک عرض می‌کنم و از خدمات و تلاش‌های ارزشمند این قشر دل‌سوز و مهربان و یار و یاور مریضان و ناتوانان، تشکر و سپاسگزاری دارم. زینب کبری نمونه‌ی ممتازی در تاریخ اسلام است. گرچه در صدر اسلام و در طول تاریخ اسلام، ما همیشه شاهد این بوده‌ایم که در میان زنان، انسان‌های فرزانه و یگانه و ممتازی درخشیده‌اند و آثار و برکات بزرگی در جامعه داشته‌اند. زن‌های بزرگ، زن‌های پاک، بانوان عفیف، و بانوان متعبدی که در خانه، کانون تربیت و هدایت فرزندان و نسل آینده بوده‌اند. زنان پاکی که در عرصه‌های اجتماعی، در کنار رهبران الهی قرار گرفته‌اند و از خود، توانایی‌ها و خدمات گسترده‌ای را نشان داده‌اند، فراوان بوده‌اند. امروز هم ما بحمدلله از خانم‌ها و زنان بزرگ و ارزشمندی برخورداریم که در جامعه و خانه‌ها، محورهای تربیت و اخلاق هستند. اما در این خیل و در این گروه بزرگ و عظیم، جایگاه زینب یک جایگاه ممتازی است. زینب هم در میان آقایان هم در نزد خانم‌ها بر یک کرسی بلندی نشسته است. زندگی افتخار آفرین زینب، سرشار از پیام‌ها و درس‌ها و الهام‌های زیبا و سازنده است. زینب در بعد عبادی و معنوی از یک مقام والایی برخوردار بوده، نمازهای زینب، قرآن خواندن‌های زینب، تهجدهای شبانه‌ی زینب و عشق زینب به خداوند که در عرصه‌ی راز و نیاز با خدا ظاهر می‌شده فراوان بوده است. همین یک جمله از امام سجاد کافی است که می‌فرماید: عمه‌ی من در طول این دوره‌ی پر مرارت عاشوراء و سفر پر رنج اسارت، نماز شب را ترک نکرد. بیداری شب و راز و نیاز عاشقانه را با خداوند کنار نگذاشت در حالی که کوه رنج‌ها و ناملایمات بر دوش و پشت زینب سنگینی می‌کرد؛ اما هیچ‌گاه زینب از عبادت و نیایش و تعبد خود دست برنداشت. این درس بزرگ عبادت و تهجد و تعبد است که به ما و زنان عالم، زینب می‌دهد. در صبر و مقاومت زینب ضرب المثلی است که همه‌ی اسوه‌های دیگر تاریخ را پشت سر گذاشته و در میدان صبر و بردباری و تحمل و مقاومت پیشتاز بی‌بدیل است. این همه رنج و این همه دشواری و این همه سختی، او را از استواری و رشادت نینداخته. زینب در برابر این همه ناملایمات بی‌پایانی که او را در چنگ خود گرفته بود و از هر سو تیرهای بلایی که بر سر و روی او می‌بارید، با قامتی استوار و رشید خم به ابرو نیاورد. هیچ کجا نقطه‌ی ضعفی به دشمن نشان نداد. خطابه و خطبه‌ی او، صبر و مقاومت و پایداری او در راه خدا دشمن را عاجر کرد. همه‌ی بلاها را با وجود خودش تحمل کرد و به جان خرید اما آه حسرت تسلیم را بر دل یزید و ابن زیاد و سپاه بنی‌امیه گذاشت. آن‌ها از زینب تسلیم ندیدند. مظلومیت بود، آه و سوز و گداز انقلابی بود؛ اما تسلیم در برابر ظلم و دشمن در قاموس وجود زینب نبود. آن عبادت و نیایش و تهجد؛ این هم صبر و مقاومت بی پایان و بی اندازه، از یک زن تنها و مصیبت زده‌ی تاریخ، چیز شگفت انگیزی است. همین کافی است که عشق‌های همه‌ی مشتاقان حقیقت را به سمت زینب متوجه کند و در کنار آن عبادت و نماز و نیایش و آن صبر و بردباری و مقاومت، قدرت رهبری و مدیریت زینب مثال زدنی بود. آدمی که بتواند این طور یک سپاه به هم ریخته و لشکر شکست خورده را جمع کند، این طور پشتوانه‌ی فرزندان و کودکان و زنان مصیبت زده شود و آن‌ها را در یک تشکل منسجم جمع کند و از یک لشکر شکست خورده‌ی مصیبت زده، یک سپاه مقتدر به وجود بیاورد؛ از یک جمع اسیر یک سپاه عزیز به وجود بیاورد؛ سپاهی که دشمن را شکست می‌دهد؛ دشمن را از پا در می‌آورد، چیز عجیبی است. مدیریت زینب در بحران عجیب کربلا، قدرت رهبری زینب، تحمل بار ولایت و امامت زینب، در طول این سفر که با اراده‌ی امام سجاد بود بُعد دیگر شخصیت بی‌همتای زینب و این بانوی نمونه‌ی کربلاست‌ و در کنار این‌ها علم و دانش زینب و محوریت علمی زینب کبری برای پاسخگویی به سوالات دینی و حل مشکلات علمی و دینی جامعه بُعد دیگر شخصیت زینب است و در کنار این ابعاد عظیم و گسترده‌ی این شخصیت نمونه‌ی تاریخ اسلام، قدرت خطابه و سخنوری زینب است که وقتی که در کوفه آن سخنرانی آتشین و حماسی و دگرگون‌ساز جامعه را ایراد کرد، گفتند این خطبه ما را به یاد آن خطابه‌های آتشین و حماسی علی انداخت. اینها بخشی از زوایای شخصیت زینب کبراست. آن علم و دانش بالا، آن روح اخلاقی و منش عبادی زینب، و آن همه صبر و بردباری او و در کنار این‌ها قدرت رهبری و مدیریت زینب و قدرت تسخیر جان‌ها و ارواح مخاطبان و خطابه‌های نافذ و مؤثر زینب، در کنار هم، از زینب یک اعجوبه‌ی تاریخ ساخته است. این چنین اعجوبه‌ای ما کم دیده‌ایم. کمتر در تاریخ سراغ داریم یک زن از همه‌ی مردان عالم پیشی گرفته باشد و همه‌ی ضرب المثل‌های شجاعت را پشت سر گذاشته باشد. ما این چنین جایگاه عظیمی برای زینب قائلیم. امروز هم باید پسران و دختران ما و همه‌ی ما از این الگوی متعالی بهره بگیریم، از این شخصیت استفاده کنیم و عشق و محبت و دوستی خودمان را نثار این وجود نازنین کنیم. خداوند به همه‌ی ما توفیق شناخت این اسوه‌ها و الگوها و تأسی به این چهره‌های متعالی و بزرگ عنایت بفرماید.

### پانزده خرداد

موضوع دوم این است که در آستانه‌ی دو روز بزرگ در تاریخ اسلام و در تاریخ کشورمان قرار داریم. روز پانزدهم خرداد که نقطه‌ی عطفی در تاریخ تحولات دنیای اسلام به شمار می‌آید و روز ارتحال امام راحل و عظیم الشأن. درباره پانزده خرداد اشاراتی هفته‌ی قبل داشتم. پانزده‌ی خرداد حقیقتا تاریخ معاصر را دگرگون کرد. معادلات دنیای معاصر را تغییر داد و مذهب و دین را به عنوان یک عامل کارساز و مؤثر وارد معادلات کشور ما و معادلات بین المللی کرد. پانزده‌ی خرداد در متن مظلومیت متولد شد؛ اما این نوزاد مبارکی بود که برکات او در همه‌ی عالم آشکار شد. پانزده‌ی خرداد، آن گاه که گروه‌های مبارز ناامید شده بودند، فضایی برای مبارزه وجود نداشت یک صدای نو و جدید و مبارکی از قم و از حلقوم یک مرجع بزرگ الهی برخاست و تاریخ را وارد مرحله‌ی جدیدی کرد. این جایگاه بزرگ، پانزده‌ی خرداد است. پدید آورنده این حماسه‌ی بزرگ ملت، رشید ایران و رهبری امام عظیم الشأن بود.

### سالروز ارتحال ملکوتی حضرت امام خمینی1

روز چهاردهم خرداد روز ارتحال امام است و یادآور آن غم بزرگی است که در این روز بر دل ملت ما نشست. امام الگویی بود که مانند او در این قرن‌های اخیر سراغ نداریم. همه‌ی آنچه که ما برای زینب گفتیم یا برای الگوهای بزرگ الهی گفتیم، همه را می‌توان در وجود امام دید. من به چند نکته در شخصیت والا و کم‌نظیر و بی‌بدیل امام در طول قرن‌ها اشاره می‌کنم.

*ویژگی‌های حضرت امام*

1. *روح معنوی و وارستگی از دنیا*

امام از لحاظ اخلاقی و معنوی و عرفانی در قله‌ای نشسته بود که با دیگران خیلی فاصله داشت. روح معنوی، وارستگی از دنیا، بی‌توجهی به مطامع دنیایی در وجود این استاد عظیم الشأن حوزه که بعدها به عنوان یک مرجع و رهبر بزرگ تاریخی درآمد، موج می‌زد. ما بزرگان معنوی و اخلاقی فراوان داشتیم و امروز هم داریم، اما در میان همان بزرگان اخلاقی و معنوی، امام از یک درخشش خاصی برخوردار بود. این جمله‌ای که از امام نقل شده، جمله‌ای است که کافی است تا گویای آن شخصیت عظیم باشد که فرمودند: والله من یک قدم برای ریاست برنداشتم. محبت ریاست و ریاست‌جویی و ریاست‌خواهی چیزی است که بزرگان را از پا در می‌آورد. علاقه‌ی به برتری و محبت ریاست، انسان‌های عظیم را به زمین می‌اندازد. در روایات آمده است که **« آخِرُ ما يَخْرُجُ عَنْ قُلُوبِ الصّدّيقينَ حُبُ‏ الْجاه‏»** آخرین چیزی که از قلب صدیقین بیرون می‌رود حب مقام است. تا آخر عمر آدم‌ها را همراهی می‌کند؛ مخصوصا کسانی که در معرض مسئولیتی باشند؛ موقعیتی باشند. علاقه‌ی به ریاست، آدم‌های بزرگی را منحرف کرده است؛ خیلی کار سختی است. امام فرمودند: والله یک قدم برای ریاست برنداشتم. به نظر من این جمله کافی است که آینه‌ای برای نشان دادن همه‌ی آن ابعاد بزرگ اخلاقی و معنوی امام باشد. عبادت امام، وارستگی او از دنیا، دلدادگی او به خدا، او را به محور اخلاق و عرفان در حوزه تبدیل بود. امام در طول چند دهه، در حوزه‌ی بزرگ قم، مهم‌ترین کانون و محور اخلاق و معنویت بود. کسانی که می‌خواستند خودسازی کنند و برای هدایت و رستگاری دنبال استادی بودند، سراغ امام می‌رفتند. کسانی که می‌خواستند وارد دروازه‌های بزرگ عرفانی شوند، پای درس امام می‌نشستند. درس‌های اخلاق نافذ و مؤثر امام در مدرسه فیضیه چنان بوده است که مرحوم مطهری می‌فرماید: ما یک جلسه که پای درس ایشان می‌نشستیم تا یک هفته تحت تأثیر سخنان جذاب و نافذ و اخلاقی و معنوی امام بودیم. انسان‌های بزرگی پای درس ایشان زانو زدند و اخلاق و عرفان را از ایشان آموختند. الگوی وارستگی از دنیا، دلدادگی به خدا را از امام آموختند. امام یک چنین جایگاهی داشت. این یک بعد کم نظیر امام است. عرض کردم ما در محیط‌های گوناگون و در حوزه‌های علمیه وارستگان و صالحان و بزرگان اخلاق و معنویت همیشه داشته‌ایم؛ اما جایگاه امام یک جایگاه بزرگی است. آن کرسی‌ایی که امام بر آن نشسته، بالاتر از بقیه‌ی کرسی‌ها است. این روح عبادت و تعبد و معنویت و اخلاق و معرفت و دل نبستن به دنیا و دل بستن به خدا در همه‌ی وجود امام همیشه مواج بود. این یک بعد مهم امام است که امروز هم ما و جوانان ما و جامعه‌ی ما و بشریت امروز نیازمند الهام‌‌گیری از این درس‌های بزرگ اخلاقی و معنوی است. همین الان اگر چند جمله از امام در رسانه‌ها بشنوید می‌بینید که یک روح و نشاط و طراوت اخلاقی و معنوی در آن هست که در جاهای دیگر کمتر می‌توان سراغ گرفت. این یک دریچه‌ی مهم به شخصیت بزرگ و بی‌کران حضرت امام رضوان الله تعالی علیه.

### شجاعت و شهامت حضرت امام خمینی

در کنار این، شجاعت و شهامت بی‌نظیر و مثال زدنی امام، شجاعت و شهامتی که مایه‌ی پیروزی انقلاب اسلامی شده. امروز ما چیزی می‌گوییم، نسل امروز نمی‌تواند به عمق آنچه که در آن روزگار بوده است اصلا پی ببرد. بخشی از آن را کسانی امثال بنده در قم و قبل از انقلاب دیده‌اند. شدت اختناق و فشاری که دستگاه طاغوتی بر مؤمنان و متدینان وجود داشت؛ قبل از آن زمان امام آن قدرت، آن هیمنه، آن قدرت‌هایی که در عالم، همراه رژیم طاغوتی بودند، در برابر آن بتواند بایستد شجاعت بی‌نظیر می‌خواهد. این اشکال به سایر مراجع یا سایر بزرگانی که در مقاطعی کوتاه می‌آمدند و نمی‌توانستند کار را جلو ببرند، نیست. امام یک اعجوبه‌ای بود که می‌توانست بن‌بست‌ها را بشکند و فضاهای اختناق را کنار بزند؛ در برابر خشونت بی‌حد و مرز دشمنان، کوتاه نیاید و از هیچ چیزی جز خدا نترسد. اگر این را بی‌نظیر نگوییم، حداقل ما در این قرن‌های اخیر این طور چیزی کمتر دیدیم که یک کسی از هیچ چیز نترسد. وقتی بعد از سخنرانی پانزده‌ی خرداد ایشان را می‌بردند و آن جو اختناق و آن ساز و کاری که اندیشیده شده بود که امام را ببرند و اعدام کنند؛ اما همان جا باز ایشان می‌فرماید: و الله من نترسیدم، من در ماشین که بودم به مأموران تسلی می‌دادم دلداری می‌دادم، مأموران دست و پایشان می‌لرزید، من دلداری می‌دادم که نترسید چیزی نیست. در زندان هم همین طور. ایشان که در زندان و در حصر بودند، می‌گویند معمولا سربازها و محافظین وقتی که چند روزی با ایشان بودند تحت تأثیر قرار می‌گرفتند و عوض می‌شدند. عظمت شخصیت امام، نفوذ معنوی او، نگاه او، سخن او، کلام او، حتی در چنگال دشمن آدم‌ها را دگرگون می‌کرد. این همان چیزی است که ما در مورد ائمه خوانده بودیم و شنیده بودیم. شهامت و شجاعت بی‌بدیل امام بن‌بست‌ها را می‌شکست و به آدم‌ها امید می‌داد. در همان اوایلی که انقلاب آغاز شده بود، در موج اخیر انقلاب در سال 56، بارها من یادم هست که در حرکت‌های جمعی و راهپیمایی‌ها در قم یا تهران، غالب افراد ناامید بودند و می‌گفتند به عنوان وظیفه یک کاری انجام می‌دهیم، در آنها هراس و نگرانی بود، اما پیام امام که از نجف یا از پاریس می‌آمد سراسر آن پیام شجاعت، شهامت، روحیه‌ی قوی، امید و اطمینان به آینده بود. این‌ها چیزهایی است که هرجا پیدا نمی‌شود. آن شهامت و شجاعت و آن علم وافر و جامع، آن اخلاق و عرفان بی‌بدیل و بی‌نظیر و در کنار آن، بینش سیاسی و جهانی که امام داشت. در گوشه‌ی قم نشسته بود و مشغول درس و بحث و استاد مبرز اخلاق و فلسفه و عرفان و حدیث و کلام و فقه و اصول بودند؛ اما همزمان با این‌ها و در کنار این‌ها، همه‌ی سیاست‌های بین المللی را می‌شناخت. نه سفری رفته بود، نه ابزار و مشاوران و تشکیلاتی در اختیار او بود، آن زمان این خبرها نبود، یک تنه در کنار آن همه ابعاد عظیم از یک دانش، بصیرت و بینش جامع بین المللی و سیاسی برخوردار بوده است، دست همه را از پشت می‌بست، نگاه نافذ او، بصیرت عمیق او، همه‌ی راز و رمزهای معادلات قدرت را در دنیا می‌شناخت و مبتکر یک اندیشه‌ی جدید سیاسی در دنیای امروز بود. کجا می‌توان این‌ها را در انسانی آن هم در آن اوضاع و احوال، آن هم در آن فشارها، با آن دشمنان قوی پنجه‌ای که در عالم بود، یک کسی این طور خودش را تربیت کند و بعد هم با این قدرت مدیریت و رهبری با آن توانمندی بالا در اینکه انسان‌ها را دگرگون کند، جامعه را متحول کند. بیاید و جهانی را دچار تغییر و دگرگونی کند، این در ذهن کسی نمی‌گنجید. این از همان اعجازهای الهی بود که خود امام می‌فرمودند که من از همان روز اولی که وارد این نهضت شدم یک دست الهی را در این کار می‌بینم، چقدر هم خود ایشان متواضع بودند. ما چیزی نبودیم، اراده‌ی خدا بود، توفیق خدا بود. من از اول احساس می‌کردم که دست خدایی این نهضت عظیم را همراهی می‌کند، اینها زمینه‌هایی برای ظهور امام زمان بود که خدا تمهید کرده بود و امروز مسئولیت ما سنگین است و وظیفه‌ی ما دشوار است. امام بهترین راهنما و الگویی است که می‌تواند ما را به آینده امیدوار کند؛ ملت ما را منسجم کند؛ آنها را در برابر توطئه‌ها قوی نگه دارد. این شدنی است، مسئولان ما، دولت مردان ما، ملت بزرگ ما می‌تواند با الهام گرفتن از این زندگی پاک و رهبر عزیز الهی که نعمت خدا در دوره‌ی معاصر ما بود راه خودش را ادامه بدهد و به آینده‌ای پر از افتخار و پیروزی ان شاء الله رهسپار شود. یاد و خاطره‌ی امام عظیم الشأنمان را گرامی می‌داریم، و همین طور یاد شهدای اسلام، شهدای انقلاب، شهدای دفاع مقدس، و به ویژه شهدای پانزده‌ی خرداد را گرامی می‌داریم. امیدواریم که خداوند به ما توفیق شناخت اولیاء خودش و پیروی از راه آنها عنایت و کرامت بفرماید.

## دعا

نسئلک اللهم و ندعوک، باسمک العظیم الاعظم، الاعز الاجل الاکرم یا الله

خدایا دلهای ما را به انوار ایمان روشن بفرما؛ اللهم اغفر للمومنین و المومنات والمسلمین والمسلمات؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر و اهله؛ اللهم انصر جیوش المسلمین و عساکر المسلمین؛ خدایا خدمتگزاران به اسلام و مقام معظم رهبری و مراجع عظام را مؤید و منصور بدار؛ ارواح تابناک شهیدان و امام شهیدان و اموات و درگذشتگان و مراجع و علمای فقید ما و درگذشتگان این جمع را با اولیای خودت محشور بفرما؛ باران رحمت و برکاتت بر ما فرو بفرست؛ سلام ما را به محضر امام عصر (عج) ابلاغ بفرما؛ ما را از یاران او مقرر بفرما.

**بسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يلِدْ وَلَمْ يولَدْ وَلَمْ يكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ[[18]](#footnote-18)**

صدق الله العلی العظیم

1. 1. سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی 102 [↑](#footnote-ref-1)
2. . نهج البلاغة، خطبه 204، ص 234. [↑](#footnote-ref-2)
3. 3. سوره‌ی بقره‌ُ، آیه‌ی 197 [↑](#footnote-ref-3)
4. . سوره‌ی فیل، آیه‌ی 3. [↑](#footnote-ref-4)
5. . سوره‌ی فتح، آیه‌ی 7 [↑](#footnote-ref-5)
6. . سوره‌ی فیل، آیه‌ی 3. [↑](#footnote-ref-6)
7. . سوره‌ی فیل، آیه‌ی 3. [↑](#footnote-ref-7)
8. . سوره‌ی فیل، آیه‌ی 3. [↑](#footnote-ref-8)
9. . سوره‌ی فیل، آیه‌ی 3. [↑](#footnote-ref-9)
10. . سوره‌ی فیل، آیات 3و 4. [↑](#footnote-ref-10)
11. . سوره‌ی فتح، آیه‌ی 10. [↑](#footnote-ref-11)
12. . سوره‌ی فیل، آیات 3و 4. [↑](#footnote-ref-12)
13. . سوره‌ی فیل، آیات 3و 4. [↑](#footnote-ref-13)
14. . سوره‌ی فیل، آیات 3و 4. [↑](#footnote-ref-14)
15. . سوره‌ی فیل، آیات 3و 4 و 5. [↑](#footnote-ref-15)
16. . سوره‌ی فیل، آیات 1تا 5. [↑](#footnote-ref-16)
17. . سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی 102. [↑](#footnote-ref-17)
18. . سوره الاخلاص [↑](#footnote-ref-18)